



طلاق در عربستان قبل از اسلام



طلاق دادن در زمان جاهلیت به قدری ساده بود که اگر مرد بدین می گفت به خانه‌ات برنگرد تمام تشریفات طلاق انجام شده بود و نیز می توانست یکصد بار به او رجوع کرده و طلاق دهد.



بی ادبش زن خود را طلاق می دادند.

درمکه مقادیر ظهور اسلام با این جمله (بی تو را سه طلاقه کردم) خانواده‌ها را برهم میزدند و تاریخ نویسان ابتداء این نوع طلاق را به اسماعیل بن ابراهیم نسبت می دهند و در کتب تواریخ در این باره توضیح بیشتری نداده اند در حالی که قسماً چنین بوده است.

علاوه بر این طلاق را با تشریفات زنده و اهدای آمیز می دادند که درست نما یا کمتر روحیات عصر جاهلیت بود مثلاً مرد در موقع طلاق می گفت: (أَنْتِ لَمْ تَلِیْ كِهْدَا أَمِیْرًا) یعنی «تو آزاد و رها هستی مثل این شتر» (۱) یا می گفتند: من آهوان را برنگاز ترجیح دادم (اخْتَرْتُ الْبِئَاءَ عَلَى الْبَقَرِ) (۲) اکثر اوقات طلاق با حملات خاص و با سوگندها

مقادیر طلع اسلام مسأله طلاق مثل سایر امور و عادات و رسوم عصر خود دچار افراتویزی حالت خود بود و آثار جاهلیت و پربریت کاملاً در آنها آشکار و روح عربیت جاهلی در اجراء و کیفیت آن متجلی بود.

مردهای مطلق العنان این حق را به خود می دادند که بمجرد گفتن این جمله: (أَنْتِ خُلِیْقَةٌ) تو رها هستی از زن خود جدا شوند بدون اینکه شرایطی در آن در نظر بگیرند و سابق خانواده و خصوصیات آن و وضع اطفال معصوم که از این جدائی بی سرپرست می ماندند در نظر بگیرند.

اصولاً طلاق در دوران جاهلیت یعنی کوتاه آمدن مردان انجام نمیدادند و مقابل همسر تلقی می شد بطوریکه هر موقع و تحت هر شرایطی بدلیخواه و به بهانه‌های

۲۵۱ - لسان العرب ج ۱/۴۴۲

و مراسم خاصی بر گذار می شد مثلاً مردی وقتی که از زنیس بیبانه‌ای عروشن نمی آمد خطاب بساو می گفت: «الحقی باهلك» (۱) «بزد اقوام و دوستانگانت برو و با آنها باش» کایه از اینکه تو را طلاق دادم و یا می گفت: «الحقی باهلك تنمود طلاق» (۲) «با فراد فامیل خود مصلحت شو که طلاق گرفته بسوی آنان بازگردی». «با این وضع ننگ آورد مقدرات همسرش را بهر طرف که می خواست و بهر نحوی که اراده می کرد تغییر داده و او را درین بست غیر قابل برگشتی قرار می داد.

طبیعی در سازبغ خود می نویسد: در زمان جاهلیت مرد می توانست صد مرتبه زن خود را طلاق دهد و او رجوع کند و این بالاترین آزادی بی بود که مرد می توانست نسبت به همسرش انجام دهد لکن اسلام در این هنگام بدفاع از حقوق زنان برخواست و صریحاً فرمود: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِن سَأَلْتَهُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (۳) طلاق رجعی تا دو مرتبه در آن رجوع کردن جایز است پس اولیفته شوهر نسبت برن (یعنی ازدواجی است) یا نگاهداشتن او بخوبی و یادها کردن (بخوشی).

موردی که قبلاً و اهل تسنن در شان نزول این آیه چنین می نویسند: عایشه می گوید مرد در دوران جاهلیت حق داشت زن خود را هر مقدار که بخواهد طلاق دهد و می توانست بهر اندازه که اراده کند رجوع کند و لویانیکه زن در عده باشد روزی مردی

۲۵۱ - الفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام ج ۵

۳ - سوره بقره آیه ۲۲۹

۴ - متن ای داد ج ۲/۲۳۰ - تفسیر طبری ج ۴/۲۰۸

در مقام ایذاء به همسرش گفت قسم بخدا تو را طلاق نمی دهم تا آزاد باشی و نمسکن و ما او پست که راحت باشی. این جریان را عایشه به رسول خدا خبر داد آنحضرت ساکت شد سپس این آیه شریفه نازل گردید: «الطلاق مرتان الخ»

چنانکه مشاهده می کنید در عربستان قبایلی بودند که بخود حق می دادند همسران خود را بلا تکلیف بگذارند نه با آنان با شویشی و اخلاق رفتار می کردند و نه آنها را طلاق می دادند که دیگر زن آزاد باشد و حتی این کار را قدری تکرار می کردند که زنان ناچار می شدند برای رهایی از بندختی اگر مالی داشتند برای آنها بدهند و خود را از دست چنین شوهرانی رها سازند و در اصطلاح بان «عصل» می گفتند (۴).

یک نوع دیگری از «عصل» در عصر جاهلیت مرسوم بود که زنی را که شوهرش مرده است از ازدواج مجدد با زنی داشتند و پسرش یا بعضی از افراد نزدیک شوهر در این ممنوعیت حق تقدم بر دیگران داشت و زن شوهر مرده باید آنقدر مجرد بماند تا از دنیا برود!

اسلام شدیداً با این نوع اعمال و حیثیانه مبارزه نموده صریحاً در قرآن مجید در سوره بقره آیه ۲۳ و سوره نسا آیه ۱۹ این رفتار ظالمانه را با زنان مورد انتقاد قرار داد: «إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَسَلِّنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتُعْتَدُوا فَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا

بکی «ظَهْرًا» و آن باین ترتیب بود که شوهری ناراحت و عصبانی بهمسر خویش چنین خطاب می کرد: «أَنْتِ عَلَيَّ كَظَهْرٍ أُمِّي» «تو بمنزه مادرم هستی» کنایه از اینکه تو بر من حرام هستی چنانکه مادرم بر من حرام است و باین طریق جدائی ابدی آنها واقع می شد.

دیگری «ایلا» یعنی مرد سوگند یاد می کرد بازنش هم بستر نشود و این، يك نوع طلاق محسوب می شد که زن نمیتوانست خود را مطلقه حساب کند و آزاد باشد و نه شوهری داشت که از آن بهره مند گردد باین ترتیب بعد از ایلا بلا تکلیف باقی می ماند.

نوع اعمال خرافی و غیر انسانی در هنگام طلاق دادن منحصر بحیط عربستان آنروز نبود بلکه در یونان و روم نیز نظیر اینها دیده می شد. طلاق اصولاً در یونان و روم جایز بود ولیکن موارد وقوع آن تسامدتها نادر و انجام آن مشکل بود این امر مستلزم تشریفات مذهبی نظیر تشریفات ازدواج بوده باین ترتیب که زن و شوهر باحضور افراد خانواده، های طرفین، کنار آتشگاه مذهبی حاضر شده شوهر حاضر، کلمات نختم آگین می کرد بگریه و بدله کرده پس از سستی که پدران طرفین سکوت می کردند تفریق و جدائی صورت می گرفت.

يك باید دید که اسلام در مقابل این منمهای ناجوانمردانه مردان در آن جاهلیت چگونه بمقابله برخواست و چگونه از حقوق زنان دفاع نمود و بطور کلی نظار اسلام در مورد طلاق چیست ؟

آیاتِ اَللّٰهُ هُوَ و «یعنی هنگامیکه زنان را طلاق دادید و آنان با خرمه نزدیک شوند یا به آنها رجوع کنید و آنها را نگاهدارید بخوبی و یا آنها را جدا کنید بخوبی نه آنکه ظالمانه آنان را بلا تکلیف بقصد ضرر رسانیدن بحال خود بگذارید و بحقوق آنان تجاوز ننمائید. هر کس چنین کاری انجام دهد بنفس خود ستم کرده است؛ (هرگز) آیات خدا را باستهزاء نگیرید.

در میان برخی از طوائف سرزمین عربستان رسم بود که سفردن مرد یا قهر او علامت بی میلی بهمسر محسوب می شد و بسا اگر در زیر خیمه ای زندگی می کردند و در آن مثل بست مشرف باز می شد زن (بعنوان اعلام مآر که باشوهرش) در آنرا سمت مغرب بازمی کرد و اگر بطرف یمن بود آنرا سمت شام قرار می داد مرد بجمعرد دیدن این جریانهای غیر عادی می فهمید که زن، خود را طلاق داده است و حاضر با زندگی با او نیست در این هنگام وظیفه مرد بود که مقدمات حرکت همسرش را بمنزل پدر و نامیل و اقوام فراهم می ساخت. (۱)

در مبانی حقوقی اسلام این گونه طلاق دادن (کاتمی) اعتباری ندارد و طلاق محسوب نشده و آثار شرعی بر آن مترتب نیست و در وسائل و سایر کتب اخباری برای این مسأله منعقد شده آنرا بتفصیل مورد بررسی قرار داده اند و روایات زیادی نیز در این مورد وارد است. علاوه بر این، دو نوع طلاق مفارقت ظهور اسلام در میان قبائل مختلف عربستان رواج داشت که بجز آن می توان گفت که در مرتبه خود از ظالمانه ترین نوع طلاق در تاریخ بشریت بشمار میرفت.